

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :  
Investigating and introducing the Sassanid Motif founded recently in the  
ancient city of Bishabour  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## بررسی و معرفی نقش نویافته ساسانی در شهر باستانی بیشاپور

فریدون آورزمانی\*

عضو هیئت علمی پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت : ۹۷/۰۴/۲۰ تاریخ اصلاح : ۹۷/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۵/۳۰ تاریخ انتشار : ۹۷/۰۹/۱۱

### چکیده

در این نامه بخشی از یک نقش برجسته ساسانی که از لحاظ تاریخی حائز اهمیت فوق العاده‌ای است مورد بررسی و معرفی قرار گرفته، اهمیت این نقش به سبب دوران کوتاه فرمانروایی این شخصیت تاریخی بر ایران زمین در زمان ساسانیان است. این سنگ‌نگاره متعلق به هرمز اول (۲۷۳-۲۷۲ م.) فرمانروای ساسانی است که اطلاعات و آگاهی تاریخی محققان از زمان کوتاه فرمانروایی او بسیار اندک است. با بررسی اسناد دست اولی مانند سنگ‌نگاره یا سکه‌ها و قراردادن این یافته‌ها در کنار یکدیگر می‌توان به بسیاری از رازها و ناگفته‌های آن دوران که در غبار زمان به دست فراموشی سپرده شده‌اند دست یافته و وقایع و رویدادهای آن دوران کوتاه را به صورت روشن‌تری در معرض دید محققان و دانش پژوهان قرار داد.

### واژگان کلیدی

نقش برجسته، سکه، هرمز اول، ساسانی، ولیعهدی و جانشینی، بیشاپور، نشانه‌های نمادین، شاپور.

### مقدمه

در سال ۱۳۸۲ که در شهر باستانی بیشاپور حفاریات جدیدی برای روشن شدن راز و رمزهای این شهر ساسانی به سرپرستی دکتر علی‌اکبر سرفراز آغاز شده بود، تعدادی سکه در ضمن حفاری کشف شد که برای شناسایی و قرائت خطوط آنها به دعوت استاد چند روزی به بیشاپور رفتیم، در یکی از آن روزها در حوالی بنایی که توسط گیرشمن به نام کاخ والرین نام‌گذاری شده، پای یکی از سربازان محافظ محوطه به سنگی در وسط جاده برخورد می‌کند و او برای آن‌که پای دیگر عابران با سنگ برخورد نکند تصمیم به جابجایی آن می‌گیرد که پس از پشت و رو کردن آن در رویه دیگر سنگ تصویری آشکار شد که شناسایی آن به اینجانب محول شد، پس از بررسی‌های مقدماتی با شگفتی دریافتم که این نقش متعلق

به هرمز اول است و با کسب اجازه از استاد گرامی دکتر سرفراز و جناب آقای مصیب امیری سرپرست محترم پروژه حفاری بیشاپور که این سنگ‌نگاره را قبل از تحویل آن به انبار و موزه بیشاپور در اختیار نگارنده قرار دادند تا تصاویری از آن نقش تهیه شود که بن‌مایه نامه قرار گرفت از همراهی و مساعدت بزرگواران سپاس و تشکر خو را صمیمانه ابراز می‌دارم.

### فرضیه

نقش نویافته در شهر باستانی بیشاپور تصویر هرمز اول فرمانروای

### معرفی سکه‌ها و سنگ‌نگاره‌های هرمز اول

هرمز پس از پدرش شاپور در سال ۲۷۲ میلادی پادشاه ایران شد، نام او به زبان پهلوی ساسانی «اهورمزد» و لقب او دلیر بود، در تاریخ طبری «الجرى» و در منابع دیگر اسلامی «البطل» آمده و «میرخواند» در کتاب «حبيب‌السير» این کلمه را دلیری

به شرح زیر است :

مزداپرست خدایگان هرمز شاه بزرگ ارمنستان (تصویر ۱)  
Mazdayasn bagi Auhrmazdy Raba Armanan Malk  
گروه دوم سکه‌هایی است که در زمان فرمانروایی خود بر سراسر  
ایران ضرب نموده و نوشته روی سکه چنین است :  
مزداپرست خدایگان هرمز شاهنشاه ایران و انیران<sup>۲</sup> که نژاد مینوی  
از یزدان دارد

Mazdayasn bagi Auhrmazdy malkan Malka Airan va  
Aniran minochitri min yazdan

این نکته بسیار مهم و جالب توجه است که در دوران حکومت  
هرمز، قالب و تصویر پشت سکه‌ها چند بار عوض شده‌اند، در  
پشت سکه‌ها آتشدان زیبایی به شکل قطعات راست گوشه که  
بر فراز آن آتش مقدس در حال اشتعال است دیده می‌شود  
و در کنار آن نوشته «آتش هرمزد» نورا «آتوری» زی  
اهورمزدی Nurazi Auhrmazdi به چشم می‌خورد.

بر پشت سکه‌های هرمز که پیش از سال ۲۷۲ میلادی ضرب  
شده‌اند و بر تعداد کمی بعد از آن منظره تاج‌گیری دیده  
می‌شود. سمت چپ آتشدان تصویر هرمز و در سمت راست  
آن تصویر ایزد مهر ضرب شده که حلقه شهریار و فرایزدی  
را به سوی هرمز دراز کرده است. این نخستین تصویر شناخته  
شده «ایزد مهر» در هنر ساسانی است. مهر با پوششی شبیه  
شاهنشاه تصویر شده و گرد سر او هاله‌ای از نور مشعشع  
است، این هاله نورانی ممیزه ایزد مهر است (تصویر ۲) در  
پشت سکه بعدی (روی سکه با عنوان کامل شاهی) تصویر  
شاهنشاه و ایزدبانو آناهیتا دیده می‌شود که پوششی بلند  
بر تن و شیئی مقدس (احتمالاً برسم) در دست دارد و بالاخره  
در پشت آخرین نوع سکه که از لحاظ زمانی پس از دو سکه  
نام‌برده ضرب شده تصویر اهورامزدا و هرمز در طرفین آتشدان  
دیده می‌شود. تصویر ایزد مهر، آناهیتا و اهورا مزدا در پشت  
سکه‌ها بیانگر شکل‌گیری آیین زرتشت و گذار ساسانیان از  
ناهیدپرستی به سوی مزداپرستی و حفظ جایگاه رفیع مهر و  
آناهیتا پس از اهورامزدا است. چنان‌که از سکه‌ها پیداست این



تصویر ۱. هرمز زمان فرمانروایی ارمنستان، مأخذ : فریدون آورزمانی، ۱۳۹۳.

ترجمه کرده و گویا این شاه همان است که رومیان وی را  
«اورماستس» ormastes نامیده‌اند (نولدکه، ۱۳۸۵: ۱۲۱).  
هرمز پیش از آن‌که دیده بر جهان فرو بندد اندکی پیش  
از یک سال پادشاهی کرد از دوران فرمانروایی او اطلاعات  
زیادی از نظر تاریخی در دست نیست، به گفته «بومنصور  
ثعالبی»: «هرمز شهر رام هرمز را پی افکنند... و با هیاتله  
که همان سعیدیانند نبرد کرد و آنها را مقهور ساخت و بر  
آنان خراج نوشت». در اغلب تواریخ معتبر مانند تاریخ طبری  
که بخشی از آن ترجمه خداینامک، سالنامه تاریخ رسمی  
فرمانروایان ساسانی است، آمده که بعضی از اطرافیان شاپور  
شاهنشاه از فرزند او هرمز سعایت و بدگویی کرده و گفتند  
که او قصد گرفتن سلطنت را از پدر دارد و هرمز چون  
از این خبر آگاه شد دست خود را بریده و خود را دچار  
نقص عضو کرد که وفاداری خود را نسبت به پدر اعلام کند  
زیرا در دوران ساسانی افرادی که معیوب بوده و نقص عضو  
داشتند به شاهی برگزیده نمی‌شدند و چون اردشیر درگذشت  
و پادشاهی به شاپور رسید هرمز را ولایت خراسان داد و وی  
را آنجا فرستاد که در خویش استقلال نشان داد و شاهان  
مجاور را سرکوب کرد و فتنه‌گران شاپور خبر آوردند و او  
را به این توهم انداختند که اگر هرمز را بخواهد نیاید و  
این خبرها به هرمز رسید. گویند وی به خلوت شد و دست  
خود ببرد و چیزی بر آن افکند که محفوظ ماند و آن را در  
پوشش گرانقدر پیچید و در حلقه‌ای نهاد و سوی شاپور  
فرستاد و شنیده‌های خویش را بدو نوشت و اعلام کرد که  
دست خویش را از آن سبب برید که تهمت از خود بردارد که  
رسم چنان بود که ناقص پادشاهی نکند و چون نامه و حقه به  
شاپور رسید دلش از حسرت پاره شد و غمگینی خویش را به  
او نوشت و اعلام کرد که اگر اعضای تن خود را یکایک ببرد  
هیچ را برای شاهی بر او نگزیند و شاهی بدو داد (محمدبن  
جریر طبری، ۱۳۷۵: ۵۹۵).

اگرچه دوران فرمانروایی هرمز کوتاه بود، اما چند نقش برجسته با  
شکوه و سکه‌های متنوعی از او برجای مانده که معرف جانشینی  
او توسط پدرش شاپور است. سکه‌های این شهریار ساسانی جزو  
شاهکارهای هنر آن دوران محسوب می‌شوند. بر روی سکه‌ها  
تصویر نیم‌رخ و نیم‌تنه هرمز شکل بسیار زیبایی نقش بسته که در  
روی تاج او گوی زربفت گوهرنشانی قرار دارد و دور تصویر نام و  
القاب او به خط پهلوی ساسانی نوشته شده است. سکه‌های هرمز را  
به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد : گروه اول مربوط به  
دورانی است که در زمان حیات شاپور و به دستور پدر به فرمانروایی  
ارمنستان منصوب شده بود<sup>۱</sup> که از لحاظ شکل ظاهری سکه‌های  
ضرب ارمنستان با سکه‌های دوران پادشاهی متفاوت نیستند، اما  
نوشته سکه‌ها متفاوت است. نوشته روی سکه‌های ضرب ارمنستان



تصویر ۳. نقش رجب - شاپور اول سده سوم میلادی. مأخذ: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰.



تصویر ۲. هرمز در زمان فرمانروایی ارمنستان، مأخذ: آورزمانی، ۱۳۹۳.

در هنر ساسانی است که در نقش برجسته فیروزآباد در نبرد اردشیر بنیانگذار سلسه ساسانی با اردوان پنجم در زمانی که شاپور ولیعهد او بود در آن نقش به چشم می‌خورد که برگستوان اسب شاپور این نشانه به شکل مبالغه‌آمیزی نقش و تکرار شده است (تصویر ۴).

پشت سر شاپور و هرمز، شاپور شاه میشان فرزند دیگر فرمانروا و سپس نرسی فرزند سوم او و بالاخره چهارمین فرزند او گیلانشاه که از لحاظ مقام فروتر بود دیده می‌شود.



تصویر ۴. نبرد اردشیر با اردوان پنجم. مأخذ: آورزمانی، ۱۳۹۳.

این اولین نقشی است که از هرمز پدید آمده و شاپور با زیرکی در این نقش برجسته به بینندگان این تصویر را القاء کرده که هرمز از سایر برادران والا مقام‌تر و برای جانشینی او سزاوارتر است. بر دیواره سنگ‌نگاره و سینه اسب شاپور یک کتیبه سه زبانه به زبان پهلوی ساسانی، اشکانی و یونانی نقرشده که متن کتیبه به شرح زیر است:

این پیکره مزداپرست خداوندگار شاپورشاهنشاه ایران و غیر ایران از نژاد ایزدان پسر مزداپرست اردشیر شاهنشاه ایران از

نکته که اهورامزدا و ایزدان بزرگ زرتشتی هرمز را بر اریکه شاهی نشانده‌اند علاوه بر سیر مذهب به سوی آیین مزدیسنا نشانه ورجاوند جلوه دادن نیروی شهریاری شاهنشاهی است. تصویر آناهیتا و اهورامزدا در نقش برجسته‌هایی که تاکنون کشف شده و هرمز در آنها حضور دارد بیانگر وحدت موضوع تصاویر سکه‌ها و نقش برجسته‌ها و بازتاب ایدئولوژی فرهنگی، سیاسی و مذهبی در دوران شهریاری هرمز و سایر فرمانروایان ساسانی بالاخص شاهان اوایل این دوران است. براساس مقایسه تصاویر شاهان ساسانی بر روی سکه‌ها و نقش برجسته‌ها و یکسان‌بودن این تصاویر، که کلیدی برای گشایش و شناسایی نقش برجسته‌های دوران ساسانی محقق شده است که به شرح اجمالی آنها و نقش نویافته که بخشی از یک سنگ‌نگاره مفهوم شده هرمز است می‌پردازیم، این سه سنگ‌نگاره عبارتند از:

۱. تصویر هرمز در کنار شاپور و سایر افراد خانواده سلطنتی در نقش رجب (تصویر ۳)

۲. نقش هرمز و شاپور و آناهیتا در تنگ قندیل

۳. نقش تاجگیری و اهدای فر ایزدی از جانب اهورامزدا به هرمز اول در نقش رجب

اولین نقشی که هرمز در آن دیده شده متعلق به نقش رجب در سه کیلومتری شمال تخت جمشید در یک نقش خانوادگی است. این نگاره در دیواره شمالی اشکفت نقش رجب در لوحه مستطیل به ابعاد ۷\*۴/۵ متر ایجاد شده است شاپور اول شاه ساسانی سوار بر اسب و همراهان او همگی پیاده و در پشت سر او قرار دارند. در پشت سر شاه، پسرانش به ترتیب مقام و موقعیت ایستاده‌اند.

نزدیک‌ترین فرد به شاپور، هرمز جانشین او است که با علامت ولیعهدی که بر کلاه او حک شده به نحوی قابل شناسایی است. علامت و نشانه ولیعهدی<sup>۲</sup> مانند فر ایزدی نماد دیگری





تصویر ۵. هرمز جانشین فرمانروا، مأخذ: آورزمانی، ۱۳۹۳.



تصویر ۶. سکه در زمان بهرام دوم، مأخذ: فریدون آورزمانی، ۱۳۹۳.

ناقص به شاهی برگزیده نمی‌شدند در یک عمل شجاعانه او را به جانشینی خود تعیین کرد و شاپور در این نقش برجسته جانشینی او را از سوی ایزدبانو آناهیتا به بینندگان و روندگان اعلام کرد. باید توجه داشت که تأیید الهه آناهیتا در آن دوران که مورد ستایش ساسانیان بود و اجداد شاپور افتخار پرستاری و تولیت معبد او را در استخر به عهده داشتند امری مهم و تعیین‌کننده بوده و ارادت شاپور به این الهه به حدی بود که معبد عظیمی مشابه معبد استخر در شهر بیشاپور برای او بنا کرد.

### نقش تاجگیری هرمز از اهورامزدا در نقش رجب

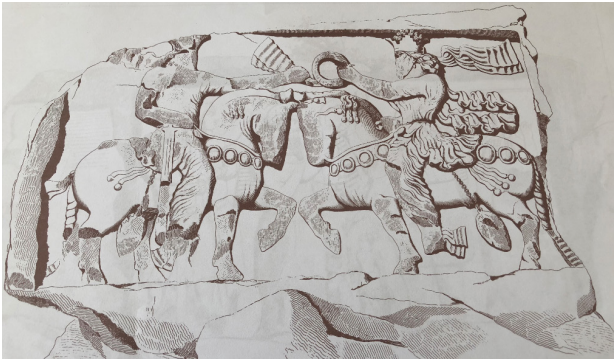
سومین نقش از هرمز تاجگیری او از اهورامزدا در نقش رجب است، این نقش در دیواره غربی از اشکفت نقش رجب کنده شده و فرمانروا و اهورامزدا در این نقش سوار بر اسب به تصویر کشیده شده‌اند. شاه در سمت راست خود را به سوی حلقه شهریاری که اهورا مزدا به او هدیه می‌کند دراز کرده است، صورت و افسر شاه در این نقش در اثر عوامل مختلف

نژاد ایزدان، نوه خداوندگار پاک شاه است.

### سنگ نگاره تنگ قندیل

این نقش در محل تنگ قندیل در ۱۵ کیلومتری شهر باستانی بیشاپور قرار دارد و برخلاف سایر نقش برجسته‌های ساسانی که در دل کوه و پیشانی صخره کوه‌ها نقش بسته‌اند بر تخته سنگ منفرد و عظیمی که بر روی یک تپه خاکی در کنار یک جاده باستانی قرار داشته به تصویر کشیده شده است. شخصیت‌های تصویر شده در این نقش برجسته عبارتند از: ایزد بانو آناهیتا، شاپور اول و فرزند محبوب و جانشین او هرمز. در این نقش شاه در مرکز تصویر قرار گرفته و دست چپ را به نشانه احترام بر قبضه شمشیر بلندی که بر کمرش بسته قرار داده و با دست راست گلی را از ایزدبانوی آب آناهیتا به عنوان برکت و فراوانی دریافت می‌کند، گلی که آناهیتا به شاه هدیه می‌کند احتمالاً در ارتباط با آب و نشانه زایش و فراوانی است. با مقایسه تصویر آناهیتا در پشت سکه‌های ساسانی و سایر نقش برجسته‌ها با این نقش می‌توان دریافت که این ایزدبانو همان آناهیتاست. یکی از مشخصات بارز اهورامزدا و آناهیتا در نقش برجسته‌های ساسانی، آرایش موی آنهاست که بر فراز تاج و افسری که بر سر دارند دسته‌ای از گل به نمایش در آمده است. در پشت سر شاپور، هرمز جانشین فرمانروا دیده می‌شود که پوشاک و آرایه‌های او شبیه پدرش است، او نیز دست چپ را به نشانه احترام بر قبضه شمشیر نهاده و با دست راست خود حلقه‌ای که نشانه فرمانروایی و فره ایزدی و جانشینی او است در دست دارد (تصویر ۵). مشابه این آداب و مراسم را در سال‌های بعد در پشت و روی سکه بهرام دوم (۶-۲۹۳) می‌توان مشاهده کرد که در پشت سکه ایزدبانو آناهیتا فره ایزدی را به بهرام سوم جانشین و ولیعهد بهرام دوم اهدا می‌کند و در روی همان سکه بهرام سوم در حالی که فره ایزدی را در دست دارد در مقابل بهرام دوم شاه ایران و مادرش شاپور دختک قرار گرفته است (تصویر ۶).

نقش تنگ قندیل بسیار سمبلیک و رازآمیز بوده و گویای این حقیقت است که هرمز حلقه فرمانروایی را با واسطه پدر از ایزدبانو آناهیتا دریافت می‌دارد. محتمل است که رضایت الهه آب‌ها از شاپور به واسطه انجام این عمل توسط هدیه گل نیلوفر آبی و یا انار که یکی از جنبه‌های آنها نماد باروری و ادامه نسل است در این نقش برجسته به نمایش گذاشته شده است. در اغلب تواریخ آمده است که هرمز جانشین شاپور پس از سعایتی که دشمنان از او در حضور شاپور برای غصب سلطنت کردند خود را مجروح و دچار نقص عضو کرد تا بدین وسیله وفاداری خود را به پدرش ثابت کند و شاپور نیز پس از اطلاع از بی‌گناهی او برخلاف عرف و رسم معهود که افراد



تصویر ۷. نقش رجب - تاج‌بخشی‌اهورا مزدا به هرمز، مأخذ: جوادی و آوزرمانی، ۱۳۸۸.

که از وی برجای مانده، اما او در این سنگ نگاره جوان‌تر به نظر می‌رسد، علت این امر به واسطه پارچه مزین به دانه‌های متعدد مرواریدی است که به عنوان پوشش ریش در تصویر روی سکه‌ها از آن استفاده شده، اما در این نقش برجسته تصویر هرمز فاقد آن پوشش است و یا در اثر مرور زمان این آرایه صاف و محو شده است (تصویر ۸). نکته دیگر آن‌که شاپور در اواخر عمر به شهر مورد علاقه خود بیشاپور باز می‌گردد و ماه‌ها یا روزهای آخر زندگیش را در آن شهر در کاخ‌های زیبایی که خود در آنجا برپا کرده بود در کنار ولیعهد محبوب خود هرمز می‌گذراند. در زندگی‌نامه مانی پیامبر که به قلم خودش نوشته شده و در اوایل قرن بیستم به صورت پوست نوشته‌هایی در زیر شن زارهای مصر کشف شد صریحاً به این مسئله اشاره شده. مانی که از شخصیت‌های نزدیک به شاپور بود پایان زندگی او را چنین توصیف می‌کند:

۱. شاپور شاه به پارس آمد، او به شهر بیشاپور رسید
۲. یک بیماری بر او عارض شد
۳. او خود را در خطر بزرگی دید



تصویر ۸. نقش برجسته هرمز، مأخذ: جوادی و آوزرمانی، ۱۳۸۸.

آسیب دیده به طوری که تشخیص آن غیرممکن است. اهورامزدا تاج کنگره‌داری بر سر دارد و صورت او به نحوی قابل تشخیص است. پس از بررسی‌های دقیق و طولانی به این نتیجه رسیدیم که این تصویر، نقش تاجگیری هرمز اول پسر شاپور است در حالی که اکثر شرق‌شناسان این تصویر را به شاپور اول نسبت داده‌اند (تصویر ۷).

با مقایسه این تصویر با نقش تاج‌گیری بهرام اول در تنگ چوگان بیشاپور متوجه شدیم که این نقش از لحاظ شیوه چهره‌نگاری به نقش تاج‌گیری بهرام اول بسیار نزدیک و همانند است، این شباهت نه تنها از نظر ترکیب نشانه‌ها بلکه در شیوه تصویر اجزا جداگانه مانند پوشش فرمانروا و اهورامزدا و حلقه شهریاری و نوارهای موج و حتی طرز نشان‌دادن شکل و عضلات اسب‌ها و زین‌افزار و برگستوان آنها نیز محسوس است. چنین به نظر می‌رسد که همه عوامل مذکور مؤید نزدیک‌بودن این دو نقش از لحاظ زمانی به یکدیگر است و این شباهت به قدری است که می‌توان گفت به احتمال زیاد و قریب به یقین این دو نقش توسط یک هنرمند در فاصله زمانی کوتاه ایجاد شده است. اگر این نقش متعلق به شاپور بود باید در سال‌های اول سلطنت او ایجاد می‌شد که با نقش بهرام اول حدود سی سال فاصله زمانی را شامل می‌شود و حتی اگر یک هنرمند در این دوره طولانی زندگی می‌کرد به علت کهنوت قادر به خلق دو اثر مشابه (نقش تاج‌گیری شاپور اول و بهرام اول) در این فاصله زمانی طولانی نبود. بنابراین این نقش مربوط به هرمز اول (۲۷۳-۲۷۲ م.) است که از لحاظ زمانی با نقش بهرام اول (۲۷۷-۲۷۳ م.) دارای فاصله کمی بود. برخلاف گفته «ولادیمیر لوکونین» و «لوئی واندبرگ» این سنگ‌نگاره فاقد کتیبه بوده و به نظر می‌رسد کتیبه‌ای را که متعلق به شاپور و افراد خانواده بوده و در جوار این نقش قرار دارد به اشتباه به این نقش نسبت داده‌اند، احتمالاً یکی از این دو محقق به نوشته دیگری در معرفی کتیبه‌ای که مربوط به این نقش نبوده استناد کرده است.

اما نقش نویافته بخشی از یک نقش برجسته منهدم شده است که خوشبختانه تا حدودی تصویر هرمز در آن از گزند زمانه محفوظ مانده است، این نگاره در محوطه شهر باستانی بیشاپور به شکلی تصادفی یافته شد.<sup>۴</sup> در این نقش صورت و نگاه هرمز معطوف به سمت چپ است، او دارای صورتی کشیده با چشم‌های درشت و گیراست، تاج وی کوتاه و بر بالای آن گوی مدوری قرار دارد، در پشت گوی و تاج او دو نوار موج در اهتزاز است، بر گوش او گوشواره‌ای است که دارای آویزه‌ای از سنگ‌های قیمتی است و موهای انبوه وی از زیر تاج بر روی شانه‌هایش افتاده، سیمای هرمز در این نقش شبیه و همسان تصویر او در سکه‌های معدودی است

۴. به معنای واقعی به فرجام رسید

۵. شاپور شاه مرد و از دنیا رفت

۶. هرمز شاه برخاست و به جای او تاج بر نهاد (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۱)

با توجه به استقرار شاپور در واپسین ایام زندگی و حضور هرمز می‌توان پنداشت که چرا این نقش برجسته در بیشاپور احداث شده و به احتمال زیاد موضوع این سنگ‌نگاره نیز مربوط به جانشینی و تأیید هرمز به شاهی از طرف شاپور می‌تواند تلقی شود.

امید است در آینده سایر قسمت‌ها و اجزای این سنگ‌نگاره به همت باستان‌شناسان کشف شده و علل و ایجاد حتمی آن آشکار و در معرض دید دانش‌پژوهان و محققان قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

سنگ‌نگاره‌های دوران ساسانی از دیر باز حاوی نشانه‌ها و اسناد قابل توجهی بوده‌اند که این‌ها از منابع و مآخذ مهم به شمار می‌روند، و به جهت سیاسی اجتماعی و مذهبی تاریخ و فرهنگ ساسانیان را آشکار می‌سازند. پژوهندگان هر بار که به مطلب تازه‌ای از تاریخ ساسانیان برمی‌خورند و یا به خواندن نوشته‌ای توفیق می‌یابند و یا به درک و کشف اثر فرهنگی نوینی تأمل و همواره به نقش توجه می‌کنند این نگاره‌ها نمونه و معیارهای اصیلی هستند که می‌توانیم یافته‌های تاریخی را با آنها بسنجیم.

با این روال از بررسی نقش برجسته‌های هرمز می‌توان دریافت که شاپور با یک روش زیرکانه جانشینی هرمز را با طرحی هوشمندانه و گام به گام در معرض دید بینندگان قرار داده و این توسط هرمز و سکه‌های او با نقش اهورامزدا و ایزدان بزرگ زرتشتی و تاج‌گیری از آنها تداوم یافته و این مسئله نقص عضو هرمز که در تواریخ متعدد به آن اشاره شده را

تأیید می‌کند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. شاهان ساسانی معمولاً ولیعهد را به حکومت مهم‌ترین و پر آشوب‌ترین استان کشور منصوب می‌کردند تا پس از رسیدن به شاهی از عهده مشکلات موجود برآیند، در آن دوران ارمنستان و سیستان و خراسان از جمله آن نواحی محسوب می‌شدند.
۲. «انیران» به معنای غیر ایران و شامل سرزمین‌هایی بود که تابع امپراطوری ساسانی و کشور ایران بودند و به ساسانیان خراج و سایر امتیازات دیگر می‌دادند.
۳. نشانه ولیعهدی و سایر نمادهای سمبلیک در نقش‌برجسته‌های ساسانی در بررسی‌های میدانی که با مشارکت خانم دکتر جوادی از سنگ‌نگاره‌ها داشتیم مورد بررسی و شناسایی قرار گرفتند که در نامه‌ای جداگانه به آنها اشاره خواهد شد.

### فهرست منابع

- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۳). *هنر ساسانی*، تهران: پازینه.
- ثعالبی، ابومنصور. (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالبی*، ترجمه: محمد فضائلی، تهران: نشر نقره.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار معماری سنتی ایران*. تهران: چاپخانه سازمان جغرافیائی کشور.
- جوادی، شهره و آورزمانی، فریدون. (۱۳۸۸). *سنگ‌نگاره‌های ساسانی*، تهران: بلخ.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۶۲). *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: اساتیر.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۵۱). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: ابن سینا.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۵۶). *بیشاپور*، ترجمه: اصغر کریمی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- لوکوتین، ولادیمیر. (۱۳۵۰). *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه: عنایت‌الله رضا، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۶۶). *تاریخ سیاسی ساسانیان*، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
- نولکه، تئودور. (۱۳۵۸). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها*، ترجمه: عباس زریاب، تهران: انجمن آثار ملی.

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۷). بررسی و معرفی نقش نویافته ساسانی در شهر باستانی بیشاپور. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۶ (۲۱): ۳۶-۳۱

DOI:10.22034/JACO.2018.77147

URL: [http://www.jaco-sj.com/article\\_77147.html](http://www.jaco-sj.com/article_77147.html)

